

**خسبیدن افغانستان تحت پوشش "صیانت بین المللی"**  
- به مناسبت سالروز کنفرانس بن اول -

"ما به حیث 'قهرمانان جنگ' به بن آمده ایم و می خواهیم به مثابه "قهرمانان صلح" دوباره به کشور برگردیم." (محمد یونس قانونی در کنفرانس بن اول)

1. پیشگفتار
2. دشواری های راه حل سیاسی
3. گروه های چهارگانه در کنفرانس بن اول
4. موانع بنیادی سیاسی
5. محتوای توافقات بن
6. تدابیر پیشگیرانه اقتصادی و نظامی
7. ارزیابی انتقادی

**1. پیشگفتار**

به تاریخ بیست و هفتم ماه نوامبر سال 2001 میلادی، نشست چهار گروه افغانی به دعوت سازمان ملل متحد در تالار پترزبرگ در جوار شهر بن، تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد. این گروه ها با وجود اختلاف های گسترده، به تاریخ پنجم دسمبر به "توافقات بن" صحه گذاشتند. بر بنیاد این توافقات سیمای نظام آینده سیاسی و اقتصادی کشور ترسیم گردید. از آنجایی که در پیاده کردن این توافقات و توام با آن، در تصمیم های سیاسی، اقتصادی و نظامی بعدی نقش تعیین کننده به جامعه بین المللی محول گردید، افغانستان در واقع (de facto) تحت "صیانت جهانی" قرار گرفت. در این نوشته، به صورت مختصر دشواری ها و داد و گرفت های سیاسی در این گردهمایی بررسی می گردد.

**2. دشواری های راه حل سیاسی**

حل سیاسی معضل مزمن و چند بعدی در سرزمین هندوکش بسیار بغرنج است، و دیده می شود که راه پر پیچ و خم صلح آمیز دشوار است و با "سنگ ریزه های سیاسی

درونی" و "خرسنگ های راهبردی منطقی" رو به رو می باشد. ذهنیت پرخاشگر حاکم و تفاوت های فکری - سیاسی نخبگان جنگی موانع عمده بر سر راه صلح پنداشته می شدند. از سوی دیگر، خطوط راهبردی کشورهای منطقه و همچنان موضع گیری های ناسالم و زودگذر جهانیان و قطب بندی های ناشی از آن، زمینه ساز "صلح عادلانه" در سرزمین هندوکش نبودند. گرچه افغانستان در بیست سال گذشته شاهد افت و خیزهای سیاسی زیادی بوده، ولی در کل این تصور در کشور حکمفرما بوده است که تنها از راه «نظامی» می توان به قدرت رسید و با پرخاشگری می شود نظام های اقتدارگرای سیاسی خویش را بر مردم این سرزمین تحمیل نمود.

اما پس از بیست سال جنگ و خونریزی، اوضاع فلاکت بار امنیتی، تخریب زیرساخت های اقتصادی، فروپاشی قسمی روابط سنتی و در اخیر خدشه دار شدن پیوندهای خانوادگی، همه عواملی بودند که منجر به دگرگونی ذهنیت بخش های میانه و پایینی نخبگان جنگی کشور گردیده بودند. نمی شد اثرگذاری این عوامل بر رهبران سازمان های جهادی را نادیده گرفت. با توجه به این زمینه های فکری، پس از راندن گروه طالبان و همکیشان عقیدتی (ایدیولوژیک) شان - شبکه دهشت افکن القاعده - از شهرها و کوهپایه های هندوکش، سازمان ملل متحد متحد با پشتیبانی جامعه جهانی و با قاطعیت تمام در "خارستان افغانی" گام های جدی برداشت. جامعه جهانی تحت رهبری ایالات متحده امریکا و متأثر از حملات دهشت افکنی در نیویارک و واشنگتن، کشورهای منطقه به ویژه پاکستان را نیز به "مصالحه" مجبور ساخت.

### 3. گروه های چهارگانه در کنفرانس بن اول

#### ➤ گروه روم

این گروه که متشکل از هواداران محمد ظاهر، پادشاه سابق افغانستان بود، با 11 نماینده در نشست شرکت کرد. عبدالستار سیرت، استاد سابق دانشکده شرعیات دانشگاه کابل سخنگوی این گروه بود.

#### ➤ گروه پشاور

سه تن از گروه پشاور در نشست بن اشتراک نمودند و ریاست هیات را سید حامد گیلانی بر عهده داشت.

#### ➤ گروه قبرس

این گروه متشکل از سه عضو بود و ریاست آن را همایون جریر، داماد گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، بر دوش داشت.

### ➤ **جبهه متحد ملی برای نجات افغانستان**

این گروه بر عکس سایر گروه های فوق، مستقیماً از درون افغانستان به کنفرانس آمده بود. از این گروه 11 تن در کنفرانس عضویت رسمی داشتند و ریاست هیات را محمد یونس قانونی، یک تن از اعضای فعال "شورای نظار" بر عهده داشت.

#### **4. موانع بنیادی سیاسی**

مشکل ترین مساله ای که نمایندگان چهار گروه با آن رو به رو شدند، در مرحله نخست موضوع "احیای سلطنت" بود. سرانجام در "مصالحه تاریخی" در ازای انصراف برهان الدین ربانی از سمت ریاست جمهوری و دادن نقش نمادین به محمد ظاهر، پادشاه سابق افغانستان، راه حلی پیدا شد که همه گروه ها دست کم در ظاهر امر با آن همراه شدند.

مشکل دوم و البته غامضتر، در احراز کرسی اداره موقت مطرح بود. مهمترین گام زمانی برداشته شد که به پیشنهاد ایالات متحده امریکا، در پشت پرده اشرف غنی احمد زی، فاطمه ضیایی و زلمی خلیلزاد – به حیث مهندسان افغانی تبار طرح پترزبرگ – با گروه چهارگانه در مورد تعیین حامد کرزی به مثابه رییس "اداره موقت" توافق حاصل کردند. قبل از آن روسیه، ایران و پاکستان نیز در مورد این گزینه رای مثبت داده بودند.

#### **5. محتویات توافقات بن**

توافقات بن در چهارده صفحه، دارای یک بخش اصلی و سه ضمیمه می باشد. در آغاز این سند تاریخی، حق مردم افغانستان در تعیین آینده سیاسی شان با آزادی تمام و بر مبنای اسلام، دموکراسی، کثرت گرایی و عدالت اجتماعی، به رسمیت شناخته شده است. در عین زمان، بر حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و عدم وابستگی افغانستان صحه گذاشته شده است.

به اساس توافقات بن، "اداره موقت" متشکل است از "حکومت موقت"، "کمیسیون ویژه و مستقل" برای برگزاری "لویه جرگه فوق العاده"، و "دادگاه عالی". 22 دسمبر 2001 روز تحویل قدرت به "اداره موقت" تعیین گردید. پس از تحویل قدرت سیاسی در ظرف شش ماه آینده برگزاری لویه جرگه در نظر گرفته شد که از طرف "اعلی

حضرت محمد ظاهر شاه" افتتاح می گردید. مشخص شد که این جرگه فوق العاده در مورد "اداره انتقالی" به شمول "حکومت انتقالی" با قاعده وسیع و تکیه بر اساساتی تصمیم می گیرد که حکوت انتقالی از طریق انتخابات آزاد و منصفانه به تشکیل حکومت آینده به مثابه نماینده مردم موفق گردد. در توافقنامه بن ذکر شد که هژده ماه پس از تشکیل "اداره انتقالی"، "لویه جرگه قانون اساسی" دایر می گردد و پس از پذیرش قانون اساسی جدید کشور توسط "لویه جرگه" انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان برگزار می شود.

## 6. تدابیر پیشگیرانه اقتصادی و امنیتی

یکی از ویژگی های "توافقات بن" در این نهفته است که در کنار راه حل سیاسی یعنی تعیین اداره موقت، تصویب قانون اساسی و در اخیر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، تدابیر اقتصادی و امنیتی نیز برای ثبات بخشیدن به اوضاع سیاسی و اقتصادی اتخاذ گردید.

سازمان ملل متحد در آغاز از این موضوع آگاه بود که افغانستان به حیث کشوری که در مدت بیش از دو دهه در اثر جنگ های خانمانسوز به تل خاک مبدل شده است، فاقد امکانات مالی برای بازسازی و نوسازی می باشد. بنابراین برگزاری کنفرانس هایی در توکیو و برلین در نظر گرفته شد تا کشورهای کمک کننده به طور مشخص وجایب مالی ای را بر دوش گیرند و در جهت تحکیم صلح و ثبات افغانستان گام های اقتصادی بردارند. در کنار این کمک های اقتصادی، طراحان "توافقات بن" از این نکته هم آگاهی داشتند که جهت تامین آرامش نسبی نیاز به اعزام نیروی امنیتی است. از همین رو شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ بیستم دسمبر سال 2001 – دو روز قبل از آغاز کار اداره موقت – به فرستادن "نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان (ISAF) توافق نمود. ساحه فعالیت این نیروها در ابتدا به شهر کابل محدود بود، بعداً این ماموریت زیر فرماندهی پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به سرتاسر افغانستان گسترش یافت.

## 7. ارزیابی انتقادی

کانفرانس پترزبرگ برای حل معضل پیچیده افغانستان از هر جهت یک نشست مهم و دارای اهمیت ملی، منطقه ای و بین المللی بود.

## ➤ تنگ نظری سیاسی در انتخاب گروه ها

با وجود حضور رسمی گروه های پشاور و قبرس، بازیگران اصلی صحنه در پترزبرگ گروه روم و جبهه متحد بودند. به دو گروه پشاور و قبرس به مثابه حلقه های نیابتی و تحت تاثیر پاکستان و ایران نگریسته می شد و از این جهت آنها نقش پیرامونی بازی می نمودند. این دو گروه، حتی در مساله توزیع قدرت سیاسی و کسب کرسی های اداره موقت دست خالی برگشتند. در نتیجه، نشست پترزبرگ در واقع در انحصار دو گروه باقی ماند و به این ترتیب یک طیف گسترده دیگر افغان ها، از نیروهای دموکرات و ملی گرفته تا گروه های چپ خردگرای انتقادی، از اشتراک در این نشست آگاهانه محروم ساخته شدند. به این ترتیب جامعه بین المللی و سازمان ملل تحت تاثیر افکار "آگاهان و مشاورین استخدام شده"، بزرگترین فرصت تاریخی را از دست دادند، تا از طریق تبادل افکار و آرا با یک قشر گسترده سیاسی و نخبگان دگراندیش در چهارچوب مردم سالاری و عدالت اجتماعی سرنوشت آینده سرزمین هندوکش را رقم بزنند.

## ➤ احراز کرسی های "اداره موقت" به نمایندگی از اقوام

در نشست پترزبرگ مشاهده شد که افغانستان مانند گذشته هنوز هم جلوه گاه خواست های گروه هایی است که خود را نمایندگان منافع اقوام مختلف کشور معرفی می نمایند. در نتیجه، معضله تقسیم و توزیع قدرت سیاسی در سطوح احراز کرسی های اداره موقت و اداره انتقالی در میان مدعیان نمایندگی از اقوام مختلف مورد بحث قرار گرفت. در این رابطه این نکته قابل توجه است که سخنگویان هیات های چهارگانه با وسواس و دقت زیاد از تذکر اصطلاحات قومی اجتناب ورزیدند و در عوض در جریان مذاکرات به استفاده از اصطلاحات با "قاعده وسیع" و "حکومت فراگیر" پناه بردند. ولی در برخوردهای مشخص در مورد احراز کرسی ها، بدون سوءتفاهم و با کمال صراحت تقسیم قدرت بین اقوام، آن هم در وجود نمایندگان حاضر در نشست، مطرح بحث قرار می گرفت.

## ➤ داد و گرفت سیاسی به نفع "مشروعیت مردم سالاری"

در نخستین نشست های طولانی پترزبرگ، بازیگران سیاسی موفق شدند در بدل انصراف از کرسی ریاست جمهوری توسط برهان الدین ربانی، ادعای برگشت سلطنت ارثی را که محمد ظاهر در سر می پرورانید، رد کنند. این موضوع به حیث یک پدیده تاریخی و میراث گذشته ها، برای آینده افغانستان دارای اهمیت فوق العاده مهم تلقی می

گردد. این داد و گرفت در پترزبرگ که منجر به عدم برگشت محمد ظاهر به سلطنت و چشم پوشی ربانی از کرسی ریاست جمهوری شد، از زاویه "توجیه قیادت" دارای اهمیت عمیق تاریخی است. از آنجایی که در "توافقات بن" قدرت سیاسی با "مشروعیت مردم سالارانه" ساختار بندی شد، طراحان نشست پترزبرگ از یک سو ادعاهای "توجیه تاریخی" را نفی کردند و از سوی دیگر در رد "مشروعیت دینی" حاکمیت گام برداشتند. از این نگاه، قید "مشروعیت مردم سالارانه" در "توافقات بن" می تواند بزرگترین دست آورد تاریخی پنداشته شود. ولی اگر در عوض تصویب قانون اساسی توسط لویه جرگه در مورد جزئیات تصویب قانون اساسی توسط پارلمان انتخابی از طریق رای آزاد و منصفانه تصمیم گرفته می شد، این دست آورد تاریخی از جایگاه بلندتری برخوردار می شد.

### ➤ زعامت کرزی، نرمش پذیری الزامی

تعیین حامد کرزی به عنوان زعيم اداره موقت در ظرف چند روز نشست پترزبرگ با وجود دشواری های سیاسی، یک مسأله تصادفی نبود. بلکه برخلاف، نظر به یک سلسله عوامل مشخص، سایه "همای بخت" بر سر او افتاد.

نخست از همه حامد کرزی از اوایل سال های هشتاد، یعنی زمانی که پس از تحصیلات علوم اجتماعی از هندوستان به پاکستان برگشت، به مثابه یک جوان روشنفکر و تحصیلکرده افغان در صف مقاومت کنندگان نزد سفارت ایالات متحده امریکا در پاکستان از وجهه خوبی برخوردار بود. کرزی با وجود درک سیاسی و اهمیت خانواده پدری اش به حیث قوم متنفذ پوپلزی در کرز، دهکده ای در جنوب شهر قندهار، تا چندی قبل از شروع حملات هوایی امریکا بر پایگاههای نظامی گروه طالبان، از تشکیل یک سازمان مشخص سیاسی همیشه دوری جسته بود. گرم جوشی در روابط شخصی و انعطاف پذیری سیاسی توأم با نفوذ قومی سبب گردید که حامد کرزی در یک بعد گسترده با گروه ها و حلقه های مختلف سیاسی و اجتماعی تماس برقرار نماید. دلیل این را که کرزی مورد پسند سازمان های سیاسی و به خصوص جبهه متحد قرار گرفت، نبایست در "کفایت های" شخصی وی جستجو کرد. کرزی با وجود همه توانمندی هایی که داشت، به مثابه یک سیاستمدار قطار دوم محسوب می گردید. این که جبهه متحد به زعامت وی تن داد، ناشی از این نکته بود که وی فاقد سازمان سیاسی و قوای مسلح مربوط به خودش خوانده می شد. در جو سیاسی - نظامی حاکم آن زمان تصور می شد که شخصی با این ویژگی ها را می توان در صورت لزوم به زودی از "کرسی زعامت" پایین کشید.

تحول اوضاع بیانگر این نکته است که "توافقات بن" و ضمایم آن با وجود خلاءها و ضد و نقیض بودن اش، در عمل به حیث یک رهنمود سیاسی پیاده شده است. طرح چنین یک نسخه سیاسی خیلی ضروری بود. اما با در نظر داشت وضع حاکم در افغانستان و با تعمق به تشتت سیاسی درون کشور، راهبردهای متضاد کشورهای همجوار و خواست های متفاوت جامعه بین المللی، این نسخه پاسخگویی همه نکات نبوده است. فقر روزافزون، فساد اداری، اقتصاد مواد مخدر و پیکارجویی روزافزون، همه چالش های بزرگ سیاسی می باشند که کرسی نشینان تحت رهبری حلقه کرزی نمی توانند از عهده حل و فصل آن ها برآیند.

افغانستان اکنون در یک دوراهه قرار گرفته است که بدون یک دگرگونی بنیادی در نظام فکری نخبگان سیاسی درون کشور، تغییر کلی راهبردهای کشورهای همجوار و تجدید نظر گسترده در سیاست ها و اجراءات جامعه جهانی در برابر افغانستان، نظام دموکراتیک نیم بند ضربه پذیر است و با خطرات جدی ناشی از بی ثباتی سیاسی، نارضایتی مردمی و پیکارجویی روزافزون رو به رو دیده می شود.

\*این نوشته فشرده ای است از مضمونی که نویسنده در سپتمبر سال 2010 به مناسبت سالروز کنفرانس بن اول تحت این عنوان نوشته و در گفتمان چاپ گردیده است:

سید موسی صمیمی: نشست تاریخی چهار گروه افغانی در پیتزبرگ آلمان فدرال –  
توافقات بن به مثابه برهه مهمی در تاریخ سرزمین هندوکش –

<http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>